

## Platon (428-348 f. Kr.)

از جمله سواهایی که افالطون را به خود مشد و می کرد این بود که انسان چیست او مقتقد بود که انسان از دو بخت تشکیه شده استر جس و رو . از نظر افالطون جس و رو از دو جهان متواوت منشام می گیرند . جس متقل به جهان مادی است که ما می توانی بمینی بشنوی امو و یا ا سا کنی . در رنگام مر جس از میان می رود . رو به جهان ابدی تقل دارد که ما نمی توانی امو کنی وای می توانی به آن فکر کنی . این جهان را «جهان ایده را» نام گشاشت . افالطون شخصیت و منیت ما را بخشی از رو می داند و از نگاه او بقد از مر انسان رو او یات خود را در جهان ایده ادامه می درد . افالطون رو را ا رابه ای می داند که دو اسد آنرا می کشد . ا رابه ران که اسد را را ردایت می کند تصویری است از عقه ما که باید مراق این باشد که اسد را ر . جهت رانده شوند . یکی فیلسوف کلمه ای است یونانی . فیلوس به معنای عشق یا دوست بوده و سوفیا بمعنی دانش است . فیلسوف یعنی عشق به دانش ، و یک فیلسوف به دانش را همچون دوست خود می بیند . از اسد را سیاه ست . این تصویری است از آنله تو بیشتر بدان تمایه داری . این می تواند شامه خیلی چیارا موه پو قدرت می باشد . اگر در این ا رابه فقا اسد سیاه باشد که مسیر را تقیین کند نتیجه ی خوبی بمار نمی آید . اسد دیگر اسد سوید است . این اسد تصویری است از خواست ما و اینکه اگر این اسد ر . به تنهایی در باره ی انتخای مسیر تصمی

بگیرد نتیجه ی خوبی به بار نمی آید. ارا به ران - یا عقه - باید رر دو  
اسد - یقنی رعالیو و ر- امیا - ما را در کنتر داشته باشد. از نظر افالطون  
انسانی که با اعتدا شجاعت و کمت زندگی می کند انسان  
خوبی است.



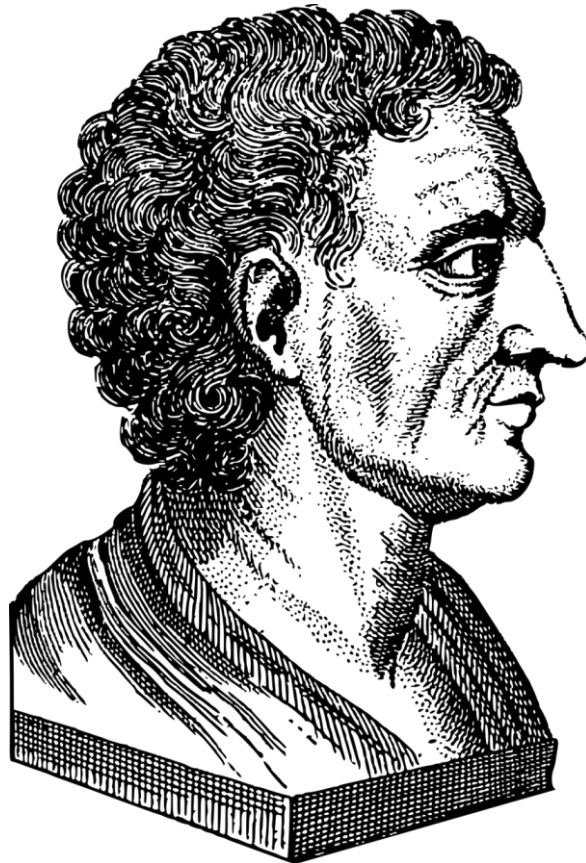
*Illustrasjon: Pixabay*

## Aristoteles (384-322 f. Kr.)

ارسطط شاگطط افالان بشدا شالام او الرامشر الانسطط دان فامو و الا  
گت. اع قهاوای شافا هاک سبالانشالرا رهایامشجشالاتانزندها الرابیبعنا  
شال. اوای ه داواحیشان تاهماع قهاالا گت. اع قهاوای  
هامشجشالاتانزندها الرابیبعنا، نگ هاوای هانس داراا حتالشع عاقفارا الاله  
شال. ازاینفوالیدا هار س شالان بشدامو وتا شال. ازان فالوا «جه  
داایده» اوجشالانداگت، لکهاحی تالرااگک لاشن اشداى نتام اگد. ارس شالری  
ناها شالاکهابیبعناالائم الراح لا غییف از اگکل ا هاگکلاالیگف است. اواینا  
غییفاتار المثبتارزی اکفاله، آنفا سببا ق یابیبعنا الامست. الانهایا لشب ا کهاالر  
روی زمیناقفارام ایفال، اب ازم دا بدیلام اگشالا هایکالرختا نشمندا لشط، اوای  
چهاقشر غهاالر آخفا قشر غهام ا گشال. اهمهاچیز الرابیبعنا غییفام اکندا ا هاغ  
یتای اهدف خشالا ف سد. ازان فالر س شاروحنیزا خش از اجسام ا گداکها  
هاشنهایامو وتاخشالارانش دام الهد. امث ایکا قشر غه م اشاندا جهدی صدا  
الرأورا لاکهاح صلاروحالو ست. اوقا ایکا قشر غهام امیفالاهماج  
سماواهماروحنیزا ازا ینام اروالچفاکها الیگفاقشر غهانم اشاندا جهداى  
الز اخشالا صدا الرأورال.

ارس شامعاقد شالاکهانس داهنگ م اکهااز اعقلاواق لیته یاخشالا  
فایانکفاکفالدا ساو الهاکندا ها ک ملام ار سدا. هاینا ف بیان س دام اشاندا زندا  
اا سشالهایالا گاها گدا. اهمهایاینه، انگ هاوای هارزشان س نه ا یکس

دانبشال. ازان فالوا فالهه اواز نه ار ازا اینکها اشاندا از اعقلاواق لیتاه  
یاخشا لاساو الهاکنند، امسائن ا شالند. ا ار س شام اوت: ان س دا فایا اینکهاخش  
گبختا گشال، ا یداق لیتاه یانکفیاخشا لارا ا هاک راندا زال. ازان فالوا ان س نه  
یامو کفواوع قلاهمشار هاک ره یالر ستانج مام الهند. وایک ازاک ره یالر  
ستار امی نهارویام ا الانست. امث ازان فالوا گج عتالاگانا امفیا پسندیها شال، اول  
ا فسشا شالداوام جفاجشا شالدا نه. اسخ وتالاگانا امفیا پسندیها است، اول  
الصفا فالاکاناوای اخیسیا شالدار انم اپسندی.



*Illustrasjon: Pixabay*